

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۱۰ اذان مغرب ۱۷:۲۶ اذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه شرق

دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۲ • ۴ ربیع‌الاول ۱۴۳۵ • ۶ ژانویه ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۱۹۲۱ • ۱۶صفحه



باقی و «مبانی فکری و نظری حقوق بشر»

شرق: عمادالدین باقی از دوشنبه این هفته قرار است «مبانی فکری و نظری حقوق‌بشر» را در موسسه مطالعاتی «رخداد تازه» بررسی کند. این سلسله‌درسگفتار از ۱۶دی آغاز خواهد شد و چهار جلسه ادامه خواهد داشت. همچنین کارگاه داستان‌خوانی با حضور «امیرحسین خورشیدفر» از هفته پیش دوشنبه‌ها ساعت ۱۸ تا ۲۰ آغاز شده است. ۸۸۰۲۳۰۸۰ و ۸۸۰۲۵۵۵۱ نیز شماره‌های تماس با این موسسه است که در گیشا قرار دارد.

خلط مبحث

از این کنج‌های عزلت

مرضیه رسولی

● سر صبح رفتم یکی از شعبه‌های بانک ملی و از اولین نفری که پشت باجه نشسته بود پرسیدم «اسکناس بی‌گوشه معتبره؟» با نگاهی که معنی «این دیگه از کجا پیداش شد» می‌داد گفت: «نه ولی اینجا قبول نمی‌کنیم. برید از اون باجه سوال کنید.» باجه شماره هفت را نشانم داد. خوشبختانه بانک خلوت بود و من تنها مشتری‌اش بودم. سوالم را تکرار کردم و کارمند با بی‌حوصلگی گفت: «نه معتبر نیست ولی برای عوض‌کردنش باید برید یه شعبه دیگه.» گفتم: «نمی‌خوام عوض کنم، می‌خوام بدونم چرا معتبر نیست» و انگار پرسیده باشم چرا آب در صددرجه به جوش می‌آید بروبر نگاهم کرد و گفت: «معتبر نیست دیگه» و بعد هم ادای آدم‌هایی را که خیلی سرشان شلوغ است درآورد و سرش را کرد توی دفتر دستکش و دیگر بالا نیاورد. مثل روز روشن است که وقتی داشتم از در بیرون می‌رفتم سرش را بالا آورده و نگاهم کرده و بعد با همکارش چشم توی چشم شده و جفتشان سر تکان داده‌اند که «تا امثال اینا تو این مملکتن اوضاع درست بشو نیست.» ده‌هاست که مواجهه مردم با اسکناس بی‌گوشه همچون شری است که باید زود ازش خلاص شد و دامن بهش آلوده نکرد. داشتن اسکناس بی‌گوشه یعنی یک زمانی یک جایی کسی از بی‌حواسی‌تان سوءاستفاده کرده و سرتان کلاه گذاشته و شما هم باید به همین شیوه از این شر خلاص شوید یا اینکه خیلی حوصله کنید و بروید بانکی که یکی از وظایفش عوض‌کردن این پول‌هاست و با یک اسکناس سالم عوضش کنید. دستگاه‌های جدید اسکناس‌شماری وارد بازار شده که در تعریفشان گفته می‌شود مجهز به تشخیص اسکناس‌های بی‌گوشه هستند و جلوی ضرروزیان را می‌گیرند و به شما درباره آن بخش مهم از پول که گویی قلب اسکناس است اطمینان می‌دهند. دوستی داشتم که چسباندن گوشه یک اسکناس ۱۰تومانی به یک ۵۰۰تومانی بی‌گوشه و قالب‌کردنش به راننده مینی‌بوس را به‌عنوان یکی از افتخارات خود این‌طرف و آن‌طرف تعریف می‌کرد و قصد برگزاری کارگاه‌های آموزشی یک‌روزه در موسسه را داشت. بارها شده کرایه را به راننده داده‌ام و او در حالی که داد می‌زده «خانم اینکه گوشه نداره» پول را همچون سند شیادی من بالا گرفته و به مسافران دیگر هم نشان داده. چه دعواها که بر سر اسکناس بی‌گوشه اتفاق نیفتاده و چه نفرین‌ها که به آسمان برنخاسته. زنگ زدم روابط‌عمومی بانک مرکزی. آقایی گوشی را برداشت و سوالم را ازش پرسیدم. گفت: «بستگی داره کدوم گوشه باشه. اگه شماره سریال اسکناس مخدوش شده باشه بی‌اعتباره و گرنه مشکلی نداره.» شماره سریال فقط کنار دوتا از گوشه‌های اسکناس حک شده و دوگوشه دیگر با اینکه خطایی نکرده‌اند و شریک جرم نیستند، گناهکاربودن و مجازاتشان قطعی است. اما این را همه نمی‌دانند، یعنی آنهایی که حتما باید بدانند و مردم را هم آگاه کنند نمی‌دانند، مثل آن متصدی بانک و راننده تاکسی و بقالی که بیشتر از بقیه با پول سروکار دارند. مردم پذیرفته‌اند اسکناس بی‌گوشه نامعتبر است و دنبال دانستن دلیلش نمی‌گردند. حتی شعر هم باهاش سروده‌اند و رفاقت‌های توخالی یا آدم‌های بدقول را به اسکناس بی‌گوشه تشبیه کرده‌اند و اگر بگویید هر اسکناس بی‌گوشه‌ای نامعتبر نیست زبان به اعتراض می‌گشایند که: «پس تکلیف این شعر ما چی می‌شه؟» آنقدر مساله بر سر ما ریخته‌اند که فرصت حل کردن نداریم.

دکه

«قرارگاه خاتم‌الانبیا» در «پیام انقلاب»



● **شرق:** ماهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی «پیام انقلاب» عکس روی جلد خود را به سالروز تاسیس قرارگاه «خاتم‌الانبیا» اختصاص داده است. ارگان رسمی سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی در شماره آذرماه پرونده‌ای کامل درباره این قرارگاه به بهانه سالگرد تاسیس آن منتشرکرده و در آن گزارشی از مجمع سراسری فرماندهان سپاه با سخنان حسن روحانی رییس‌جمهور نیز با تیتر «سپاه بخشی از بار دولت را بر دوش بگیرد» منتشر کرده است. سخنانی که به گفته تحلیلگر این نشریه «شایعات مبنی بر این اینکه سپاه رقیب مردم و بخش خصوصی در اقتصاد است» را بی‌اساس می‌کند. چرایی و چگونگی فعالیت قرارگاه از منظر افرادی نظیر علی لاریجانی، سرلشکر جعفری، سرلشکر رحیم‌صفوی و دکتر قالیباف نیز در این ماهنامه منعکس شده است. سپاه و ماموریت قانونی سازندگی سپاه در کنار گرایش‌های فکری، اختراعات و ثبت رکوردهای قرارگاه، از دیگر مطالب ماهنامه است. معرفی فرماندهان این قرارگاه نظیر قالیباف، رستم قاسمی، سردار مظفری، سردار عبدالرضا عابد درکنار گزیده‌ای از دیدگاه‌های فرمانده کنونی-سردار عبدالله عبدالهی- و گفت‌وگو با مسوولان دیگر هم چون حجت‌الاسلام دهقانی، مسوول نمایندگی ولی‌فقیه، سردار حزنی، سردار اخوان و سردار غفور، سردار وفایی، همچنین مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در پیشبرد آبادانی و توسعه کشور، شاخص‌ترین پروژه‌های قرارگاه در کنار مقاله‌ای درباره نقش معنویت در پیشبرد سازندگی نیز در این ماهنامه منتشر شده است.

ذره بین

گفت‌وگو با هانیه توسلی درباره کنش‌های اجتماعی

ورود ممنوع هم رفته‌ام

دنیا عیوضی: هانیه توسلی بازیگری که «شام آخر» آغاز ورودش به سینما بود؛ آغازی که بازی در «دهلیز» و تسخیر سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن حضورش را محکم‌تر ساخت. در گپ‌وگفت با او هرچه جلوتر می‌رفتم پاسخ‌هایش با چاشنی صداقت همراه‌تر می‌شد، بی‌تردید این ویژگی وجه تمایز گفت‌وگوی او است؛ اولین گفت‌وگو از مجموعه‌ای که جور دیگری دیدن را پیشنهاد می‌کند.

↙ ساعت یک نیمه‌شب در حال رانندگی هستید و عجله دارید، به یک مسیر یکطرفه می‌رسید، آیا خلاف می‌کنید؟

راستش را بگویم بله؛ ورود ممنوع می‌روم ولی در شرایطی که خیلی خطرناک نیست. پیش آمده که این کار را کرده باشم ولی قطعا نصفه‌شب و خیلی خلوت بوده ولی در شرایط عادی امکان ندارد که این کار را بکنم. اعتراف می‌کنم کار اشتباهی است و نباید تکرار کنم.

↙ در تاکسی نشسته‌اید و صدای ضبط‌صوت ماشین بلند و غیرقابل تحمل است، آیا به راننده اعتراض می‌کنید؟

اتفاقا یکی از مواردی که خیلی حساسم این است که موزیک‌هایی که نمی‌پسندم از ضبط‌صوت آژانسی که گرفته‌ام پخش شود، آن زمان خیلی راحت می‌گویم لطفا ضبط را خاموش کنید یا گاهی می‌گویم آن را کم کنید که اغلب راننده در جواب می‌گوید می‌خواهید خاموش کنم که من قطعا می‌گویم ممنون می‌شوم خاموش کنید.

↙ آخرین‌باری که آشغال در خیابان پرت کردید چی بود؟

من سعی می‌کنم هیچ‌وقت از ماشینم آشغال پرت نکنم. ماجرای آشغال‌پرت‌کردن در شهرهای بزرگ خیلی بهتر از شهرستان‌هاست، مخصوصا شهرهای شمالی که رفت‌وآمد بیشتر است، در جنگل‌های شمال دیدن آن‌همه زباله آدم را ناراحت می‌کند. یادم است که همین چند وقت پیش با دوستم در جنگل آشغال‌ها را از روی زمین جمع کردیم.

↙ چقدر در آلودگی محیط‌زیست نقش دارید؟

به اندازه ماشینی که دارم.

↙ اگر دوچرخه‌سواری مرسوم شود حاضرید با این وسیله رفت‌وآمد کنید؟

در اروپا دوچرخه‌سواری خیلی رایج است و مسیر دوچرخه‌سواری دارند. اگر در ایران هم مسیر ایمن و استاندارد برای دوچرخه‌سواری ایجاد شود که حتی عابر پیاده از آن عبور نکند اتفاقا برایم جذاب است. البته شرط دیگرش این است که هوا هم تمیز باشد چون در هوای آلوده ورزش‌کردن چندبرابر به ریه آسیب می‌زند.

↙ فکر کنید مسوولیتی در محیط‌زیست دارید، برای چه تخلفی بیشترین جریمه را اختصاص می‌دهید؟

کسانی که حیوانات را شکار می‌کنند. درست است که آلودگی هوا خیلی اهمیت دارد ولی من به‌خاطر شکارچی‌های غیرقانونی که حیوانات زبان‌بسته را می‌کشند حالم بد می‌شود. آزاردادن گربه‌ها و سگ‌ها در خیابان و اینکه شهرداری سگ‌ها را می‌کشد ناراحتم می‌کند.

↙ نظرتان درمورد اتفاقی که برای صفحه فیس‌بوک «مسی» افتاد چیست؟

احساس می‌کنم بررسی این موضوع یک بحث جامعه‌شناسی می‌طلبد که چرا مردم آنقدر پرخاشگرند؟ انگار یک خشم فروخورده در مردم هست که مثلا گاهی به این شکل خالی می‌شود که البته خیلی زشت بود.

↙ تابه‌حال برای شما چنین موردی پیش آمده است؟

بله؛ گاهی به این موارد در دنیای مجازی برمی‌خورم. مثلا چند تا صفحه فیس‌بوک به نامم هست که برای خودم نیست. در یکی از این صفحه‌ها که خیلی هم فعال بود نوشته بود صفحه واقعی خودم (هانیه توسلی) را پاک کنید! اغلب یکسری مطالب روی صفحه‌اش می‌گذاشت که من اصلا نمی‌دانستم اینها چی هستند، در نهایت یکسری اقدامات انجام دادم که آن صفحه را از بین ببرم. گاهی کامنت‌های بی‌ادبی را در فیس‌بوکم می‌بینم، در اینستاگرام هم به‌تازگی به این موارد برمی‌خورم که البته دیگر چندان آزارم نمی‌دهد به این دلیل که بخشی از کارمان است.

↙ چقدر از وسیله‌نقلیه عمومی مثل مترو استفاده می‌کنید؟

متاسفانه مترو سوار نمی‌شوم، البته خیلی سال پیش که مترو دو خط داشت پیش می‌آمد که سوار شوم. کمی هم به‌دلیل بازیگربودنم نمی‌توانم چون گاهی مردم طعنه می‌زنند.

↙ یعنی ترجیح می‌دهید ترافیک خیابان را تحمل کنید؟

بله متاسفانه، می‌دانم جواب بهتر این است که من از وسیله نقلیه عمومی استفاده کنم و ترافیک خیابان را بیشتر نکنم ولی به‌خاطر شغلم یا روحیاتم ترجیح می‌دهم از ماشینم استفاده کنم.

↙ در رستوران در حین غذاخوردن اگر مردم به شما زل بزنند، واکنش نشان می‌دهید؟

بستگی به نوع نگاهشان دارد. در صورتی که رفتارشان آزاردهنده و بی‌ادبانه باشد اعتراض می‌کنم که برای چه اینقدر زل زده‌اید. عده‌ای زل می‌زنند، برخی با موبایل از غذاخوردن عکس و فیلم می‌گیرند و بعضی‌ها هم نگاه می‌کنند و مودبانه لبخند می‌زنند.

↙ تا حالا روی کسی را کم کرده‌اید؟

خیلی اهل روکم‌کردن نیستم مگر اینکه احساس کنم باید از خودم دفاع کنم. مثلا اگر زمانی کسی به من بدی کرده باشد و من باید جوابش را بدهم، یا دروغی در موردم گفته باشد ممکن است این کار را بکنم. البته به آن آدم هم بستگی دارد که چقدر برایم مهم باشد.

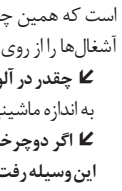
↙ از موقعیت و شهرتتان برای انجام کارهایتان استفاده‌می‌کنید؟

پیش آمده ولی زیاد نبوده، یادم می‌آید در جاده یک‌بار پلیس برای سرعت زیاد می‌خواست جریمه‌ام کند اما من را شناخت و جریمه‌نکرد.



اتفاق

باید مریض داشته باشی...



پژمان موسوی

باید مریض داشته باشیم تا بدانیم تحریم دارویی یعنی چه؛ باید مریض داشته باشیم تا بدانیم از این داروخانه به آن داروخانه دویدن و دست آخر هم به نتیجه نرسیدن یعنی چه، باید مریض داشته باشیم تا بدانیم دلالی دارو و عرضه آن به قیمت‌های میلیونی یعنی چه؛ این بایدها و چندین و چند باید دیگر خیال نیست، توهم هم نیست، تجربه زیسته روزمره مردمی است که مریض دارند، که مریضانشان بیش از آب و غذا، به دارو نیاز دارند و به داروخانه‌هایی که دارو ندارند؛ و این ماییم که هاج‌وواج نمی‌دانیم راه چاره چیست؟ در همین گیرودار است که عده‌ای می‌آیند، پروژه‌ای را طراحی می‌کنند تا هر ایرانی با ارسال یک کارت‌پستال مجازی به دبیرکل سازمان ملل، مراتب اعتراض خود را نسبت به وضع موجود دارویی، به عالی‌ترین مرجع جهانی ابراز دارند. هزینه‌ای هم ندارد: شاید صرف یک‌دقیقه وقت، کل هزینه‌ای باشد که هر ایرانی با شرکت در این پروژه متحمل می‌شود. البته تا امروز هم خیلی‌ها از جمله محمد خاتمی، اصغر فرهادی، عباس کیارستمی، پرویز کلانتری، کامبیز درمبخش، احسان شریعتی و خیلی‌های دیگر این کارت‌پستال مجازی را امضا کرده‌اند. کافی است ایرانیان سری به سایت www.pprotest.com بزنند و یک کارت‌پستال را امضا کنند و به یاد بیاورند این جمله استاد ملکیان را که مدت‌ها پیش نوشته بود: «من نه دل‌نگران سنتم، نه دل‌نگران تجدد، نه دل‌نگران تمدن، نه دل‌نگران فرهنگ و نه دل‌نگران هیچ امر انتزاعی از این قبیل. من دل‌نگران انسان‌های گوشت‌وخون‌داری هستم که می‌آیند، رنج می‌برند و می‌روند»...

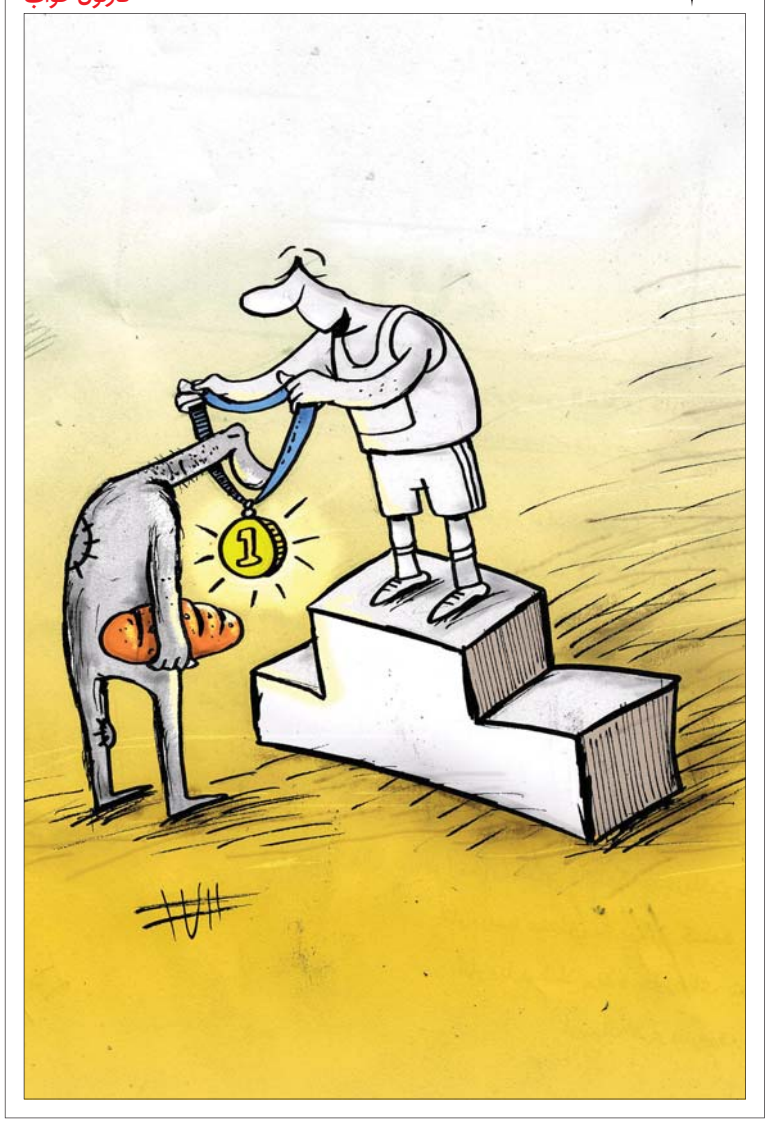
*** نمایشگاهی با حضور امضاکنندگان این کارت‌پستال از چهارشنبه در گالری طراحان آزاد برگزار می‌شود.**

POPULAR PROTEST
Medicine Sanction Against Iran



محسن ظریفیان
aghamimagha@yahoo.com

کارتون خواب



از هر نظر بی‌ضرر

همه‌چیز زیر سر یک بز است

پوریا عالمی

● وقتی سهراب سپهری گفت: «صدای پای آب» آب به اندازه یک بغل از توی جوب رد می‌شد. حالا رودخانه و دریاش بماند که لبالب از آب بود. اینقدر آب بود که صداش درآمده بود. هم صدای پای آب، هم صدای مردم و می‌گفتند چرا همه‌چیز اینقدر آبکی شده؟ شاید به همین دلیل بود که مردم آبکی شده بودند. یکی از مردم قدیم به خبرنگار ما گفت: به سلامتی آب. زندگی از بس آبکی بود ما آبکی شدیم.

اما سهراب صداش از جای گرم - احتمالا شکمش هم مملو از آب گرم بوده - درمی‌آمد. سهراب آینده‌نگر نبود و بحران آب را درک نمی‌کرد. این مساله اولین‌بار توسط فروغ فرخزاد مطرح شد. فروغ در پاسخ به سهراب که گفته بود «صدای پای آب» گفت «تنها صداست که می‌ماند.» یعنی بعدها با بحران آب و خشکسالی روبه‌رو می‌شویم عزیزم.

سهراب حتی شناختی از وضعیت زیست‌محیطی ما نداشت. مثلا می‌گوید: «پدرم وقتی مرد. آسمان آبی بود.» در حالی که الان ما اگر آسمان آبی باشد امکان ندارد بمیریم و اگر بمیریم فقط‌وفقط به خاطر آلودگی هواست.

سهراب ریخت‌وپاش زیادی داشت. او می‌گوید: «آب بی‌فلسفه می‌خوردم.» در حالی که الان ما وقتی می‌رویم حمام، با نعلبکی خودمان را می‌شوییم که نه آب اسراف شود نه پول آب برایمان زیاد بیاید.

سهراب نه‌تنها اهل افراط بوده، اهل تفریط و تفریح بوده و رسما می‌گوید: «رخت‌ها را بکنیم، آب در یک‌قدمی است.» آیا این درست است؟ الان ما می‌رویم میدان ونک، آب در یک‌قدمی و وسط میدان است، آیا باید سریع رخت‌ها را بکنیم؟

نااهلان می‌گویند این سیاست‌های غلط دولتمردان بوده که باعث کم‌آبی و خشک‌شدن دریاچه ارومیه و هامون و زاینده‌رود و کارون شده است. اما اینطور نیست. سهراب علنا اعتراف می‌کند که «و بزی از خزر نقشه جغرافی آب می‌خورد.» که همین بز باعث خشک‌شدن دریاچه‌ها شده است. پس تقصیر مسوولان نیست و همه‌چیز زیر سر یک بز است.

